



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

عشاق عالیجات

عراق

وادی مقدس



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# وادی مقدس : سفرنامه ششمین سفر عتبات عالیات عراق

نویسنده:

هادی نجفی

ناشر چاپی:

مolf

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۶	وادی مقدّس : سفرنامه ششمین سفر عتبات عالیات عراق
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۸	فهرست
۱۰	مقدمه
۱۲	یکشنبه ۲۰/۵/۱۴۳۲=۴/۲/۱۳۹۰
۱۵	دوشنبه ۲۱/۵/۱۴۳۲=۵/۲/۱۳۹۰
۲۰	سه شنبه ۲۲/۵/۱۴۳۲=۶/۲/۱۳۹۰
۲۲	چهارشنبه ۲۳/۵/۱۴۳۲=۷/۲/۱۳۹۰
۲۳	پنج شنبه ۲۴/۵/۱۴۳۲=۸/۲/۱۳۹۰
۲۵	جمعه ۲۵/۵/۱۴۳۲=۹/۲/۱۳۹۰
۲۵	شنبه ۲۶/۵/۱۴۳۲=۱۰/۲/۱۳۹۰
۲۸	یکشنبه ۲۷/۵/۱۴۳۲=۱۱/۲/۱۳۹۰
۳۰	درباره مرکز

## وادی مقدّس : سفرنامه ششمین سفر عتبات عالیات عراق

### مشخصات کتاب

وادی مقدّس

سفرنامه ششمین سفر عتبات عالیات عراق

اردیبهشت 1390 = جمادی الأولى 1432

تألیف:

هادی نجفی

ص: 1

### اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم



یکشنبه 20/5/1432=4/2/1390 \*\*\* 7

اقامه مجلس عزای فاطمه زهرا سلام الله علیها و مراسم چهلم مرحوم آیه الله سیّد حسن فقیه امامی در مسجد نوبازار - رسیدن جلد چهارم کتاب الآراء الفقهية - اولین جلسه متولیان حسینیه اصفهانی ها در مشهد مقدس در منزل صاحب سفرنامه - رسیدن کتاب نقد فلسفه داروین از تهران - القاء درس در مدرسه - رفتن به فرودگاه - امامت نماز ظهر و عصر در فرودگاه اصفهان - حرکت به سمت بغداد با دو ساعت تأخیر - رفتن از فرودگاه بغداد به نجف اشرف - ورود به هتل - صرف شام و حرکت به سمت حرم امیرالمؤمنین علیه السلام و زیارت آن بزرگوار.

دوشنبه 21/5/1432=5/2/1390 \*\*\* 9

زیارت حضرت امیر علیه السلام - دیدار با آقای دکتر شیخ عباس کاشف الغطاء در مدرسه مهدیه - ملاقات با آیه الله سیستانی - نماز ظهر در حرم مطهر - رفتن به زیارت کمیل بن زیاد و مسجد سهله و اعمال آن - دیدار شیخ عمار کاشف الغطاء و شیخ حیدر کرباسی با صاحب سفرنامه - ملاقات با آیه الله شیخ حسین بشیر نجفی در معیت سرکنسول ایران در نجف اشرف - ملاقات با آیه الله شیخ محمدامین مامقانی - بازگشت به هتل نیمه شب

سه شنبه 22/5/1432=6/2/1390 \*\*\* 15

امامت نماز صبح در صحن حرم امیرالمؤمنین علیه السلام برای بانوان - زیارت حضرت امیر علیه السلام - زیارت میثم تمار - اعمال مسجد کوفه - زیارت مسلم بن عقیل و مختار بن ابی عبیده ثقفی - زیارت هانی بن عروه - خواندن نماز ظهر و عصر تماماً در مسجد کوفه - دیدار شیخ محمد کرباسی و سرکنسول ایران و فرزندش و شیخ احمد و شیخ علی کاشف الغطاء با صاحب سفرنامه

چهارشنبه 23/5/1432=7/2/1390 \*\*\* 17

نماز صبح در حرم مطهر و زیارت وداع امیرالمؤمنین علیه السلام - حرکت به سمت کربلا - زیارت ابراهیم و محمد فرزندان مسلم بن عقیل در مسیب - توضیحی پیرامون مرقد منسوب به عون بن عبدالله بن جعفر در نزدیکی کربلا - ورود به هتل و اقامه نماز و صرف نهار - زیارت ابوالفضل العباس علیه السلام و امام



حسین علیه السلام عصرهنگام - زیارت حبیب بن مظاهر اسدی و بقیه شهدای کربلا و ابراهیم مجاب نوه موسی بن جعفر علیه السلام - خواندن نماز مغرب و عشاء در صحن حسینی

پنج شنبه 24/5/1432=8/2/1390 \*\*\* 18

زیارت امام حسین علیه السلام و ابوالفضل علیه السلام صبحگاه - رفتن به نمایندگی سازمان حج و زیارت - خرید چند جلد کتاب از کتابفروشی صحن حضرت ابوالفضل علیه السلام - زیارت حرم ابوالفضل علیه السلام در شب جمعه و حضور در کتابخانه عتبه عباسیه و ملاقات با رئیس آن - خواندن نماز مغرب و عشاء در صحن عباسی - ملاقات با آقای سرکنسول در صحن و کتابخانه عتبه عباسیه - زیارت امام حسین علیه السلام در شب جمعه

جمعه 25/5/1432=9/2/1390 \*\*\* 20

زیارت عتبه عباسیه و حسینیه صبحگاه - جمع آوری وسایل - زیارت وداع ابوالفضل علیه السلام و امام حسین علیه السلام در عصر

شنبه 26/5/1432=10/2/1390 \*\*\* 23

خواندن نماز صبح در هتل و حرکت به سمت شهر سامرا - زیارت امامین هادیین عسکرین علیهما السلام و زیارت مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و عمه امام حسن عسکری علیه السلام - نقدی بر آیین وهابیت و حکم باطل برخی از مفتیان این آیین ساختگی مبنی بر وجوب تخریب حرم های مطهر ائمه معصومین علیهم السلام - وجود گنبد در قرن اول هجری بر قبور عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسن مجتبی علیه السلام - وجود گنبد در مقابر قریش قبل از دفن موسی بن جعفر علیه السلام در قرن دوم هجری - ساختن گنبد بر قبر مطهر موسی بن جعفر علیه السلام در قرن سوم هجری - ساختن گنبد توسط هارون خلیفه عباسی بر قبر مطهر امیرالمؤمنین علی علیه السلام در قرن دوم هجری - رفتن به سمت «بلد» و زیارت سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام - حرکت به سمت کاظمین و زیارت امامین کاظمین جوادین علیهما السلام - کلام شیخ دهلوی در اللمعات در نقل از شافعی درباره قبر موسی بن جعفر علیه السلام - خواندن فاتحه بر مزار شیخ مفید و استادش ابن قولویه و خواجه نصیرالدین طوسی و فرهاد میرزا - اقامه نماز مغرب و عشاء در صحن کاظمی - نزول باران رحمت الهی - رفتن به هتل در شهر بغداد و استراحت

یکشنبه 27/5/1432=11/2/1390 \*\*\* 23

اقامه فریضه صبح در هتل - حرکت به سمت فرودگاه بغداد - پرواز به سمت اصفهان با سه ساعت تأخیر - ورود به فرودگاه اصفهان و رسیدن به سلامتی به منزل

## مقدمه

این سفرنامه را تبرکا و تیمنا در حرم حسینی علیه السلام در شب جمعه 9 اردیبهشت 1390 برابر با 25 جمادی الأولى 1432 شروع می‌کنم. اکنون ساعت حدود 9 شب است و بعد از گذشت 5 روز از شروع سفر و با استخاره به قرآن کریم و آمدن این کریمه: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>(1)</sup> این سطور را می‌نویسم.

به این امید که در آن درسی از گذشتگان باشد و چراغی فرا راه آیندگان.

و یادی از ما باز ماند، که دنیا را نمی‌بینم قرار می‌گیرد.

و شاید خواننده این سطور طلب مغفرتی در حق کاتبش نماید که موجب مغفرت ذات ربوبی از این عبد گریز پای گردد و شفاعت مویانش علیهم السلام که به زیارت آنها طی طریق نموده است نصیبت شود.<sup>(2)</sup>

آمین یا رب العالمین

ص: 5

---

1- سورة الحج / 6.

2- از استاد علی زاهدپور که ویرایش نهائی این اوراق را برعهده گرفتند و آقایان مهدی رضوی و حجة الإسلام مهدی باقری به خاطر تخریج برخی از مصادر تشکر می‌کنم.

«إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى»

(سورة طه / 12)

- وفي خبر الربيعي عن أبي عبدالله عليه السلام أنه قال:

شاطئ الوادي الأيمن الذي ذكره الله في القرآن

هو الفرات و البقعة المباركة هي كربلا.

[كامل الزيارات /139، باب 13]

[مزار الشيخ المفيد /15، ح 1]

[التهذيب 6/38، ح 80]

[وسائل الشيعة 14/405، ح 4]

[مستدرک الوسائل 17/203، ح 5]

- وقال الطبرسي: «البقعة المباركة» هي البقعة التي قال فيها لموسى: «اخلع نعليك إنك بالواد المقدس طوى»

[مجمع البيان 7/251]

ص: 6

یکشنبه گذشته 13 جمادی الأولى 1432 / 28 فروردین ماه، در مسجد نوبازار مجلس عزای فاطمه زهرا سلام الله علیها را اقامه و به همراه آن، مجلس چهلم مرحوم آیه الله سید حسن فقیه امامی (1) قدس سره را نیز برگزار کردم. در این مجلس فرزندان آن مرحوم و بیت شریفش نیز حضور داشتند و مورد استقبال اهل علم و علماء و متدینین واقع گردید و ظهر آن روز چند هزار نفر در مسجد اطعام شدند.

روز چهارشنبه 31 فروردین / 16 جمادی الأولى جلد چهارم کتابم الآراء الفقهية - قسم البیع (1) که تازه در قم مقدس نشر شده بود به دستم رسید.

روز پنج شنبه 1 اردیبهشت / 17 جمادی الأولى مجلس متولیان حسینیه اصفهانی ها در ارض اقدس رضوی، در منزل حقیر منعقد گردید، که چون اولین جلسه در منزل بنده بود، به صرف صبحانه برگزار کردم.

در این جلسه حضرات آقایان: حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی، حاج شیخ مهدی مظاهری (2)، حاج سید مرتضی هاشمی، حاج شیخ عبدالجواد عبدلهی و حاج شیخ احمد ناصری دامت برکاتهم حاضر بودند.

آیه الله حاج شیخ محمد ناصری دامت برکاته شب گذشته عذرخواهی کردند که مسافر قم هستند و با مراجع قرار ملاقات دارند.

آیه الله سید عبدالحسین روضاتی دامت برکاته نیز در جمعه گذشته به عتبات

ص: 7

---

1- جهت شرح حال ایشان رجوع شود به اعلام اصفهان 2/500 و مقدمه فهرست نسخه های خطی آیه الله سید حسن فقیه امامی (16-7) به قلم نوه ایشان آقای سید محمد رضا شفتی و مجله آینه پژوهش، ع 127/121، فروردین و اردیبهشت 1390 به قلم حجة الإسلام ناصرالدین انصاری قمی.

2- شرح حال وی را در سه سفرنامه، میقات / 34 نوشته ام.

عالیات مشرف شده اند.

مرحوم آیه الله سید حسن امامی رحمه الله نیز به جوار رحمت حق پیوسته و در بهشت مسکن گزیده اند. این هشت نفر به علاوه حقیر - که میزبان بودم - جمعا 9 نفر متولیان حسینیه اصفهانی ها در مشهد مقدس هستیم.

البته در این مجلس به دعوت حقیر آیه الله حاج شیخ محمدتقی مجلسی (1) مدظله نیز که از مراجع تقلید معاصر و صاحب کرسی درس خارج فقه در مدرسه صدر بازار هستند، تشریف آوردند.

قصد دارم ایشان را به جای مرحوم آیه الله امامی قرار دهم و بقیه اعضا نیز اعلام موافقت کرده اند، فعلاً منوط به قبول ایشان است، ولی هنوز نپذیرفته اند. شاید به اصرار حقیر و دوستان اجابت فرمایند، که بالمآل مورد پذیرش قرار نگرفت.

بعد عدم پذیرش آیه الله مجلسی متولیان محترم مجدداً از آیه الله سید مرتضی مستجاب الدعواتی دعوت نمودند که همانند دو دهه قبل به امر تولیت اقدام فرمایند و ایشان دوباره به جمع متولیان حسینیه اصفهانی ها در ارض اقدس رضوی پیوستند.

روز شنبه 3 اردیبهشت / 19 جمادی الأولى دو درس خارج اصول و فقه خود را القاء نمودم.

کتاب نقد فلسفه داروین مرحوم جدم ابی المجد که اخیراً کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران به ریاست محقق توانا حجة الاسلام آقای حاج شیخ رسول جعفریان (2) دامت برکاته - که از دوستان حقیر است - چاپ کرده است، در چند نسخه برای بردن به نجف اشرف به دستم رسید.

امروز یکشنبه 4 اردیبهشت 1390 / 20 جمادی الأولى 1432ق، پگاه بعد از نماز به جهت تدریس از منزل خارج شدم.

دو درس خارج اصول و فقه ام را گفتم، والده که در این سفر همراهند به مسجد آمدند و با تاکسی با هم به فرودگاه اصفهان رفتیم.

در این سفر به جز ایشان، همسر و علی فرزندم و آذر که از دوستان همسر

ص: 8

---

1- جهت شرح حال وی نگر: اعلام اصفهان 2/218.

2- جهت شرح حال وی نگر: اعلام اصفهان 3/72.

است و به وی در امور منزل کمک می کند همراه است. در آخرین لحظات ثبت نام، یکی از طلبه های محترم به نام آقای حسن فاضل که نجف آبادی است و سابقا در مدرسه ما حجره داشت به حجره من آمد و همسفر ما شد.

پرواز می بایست ساعت 45/12 حرکت کند که طبق معمول با تأخیر و پس از دو ساعت انتظار انجام شد.

در فرودگاه اصفهان و در پرواز ما، 7 کاروان حضور داشتند که هر کاروان تقریباً 35 زائر دارد و یک مدیر و یک مداح یا روحانی.

مدیر کاروان ما آقای محمود فاضلی از مدیران باسابقه حج تمتع است که یک مداح به نام آقای حسن امینی را انتخاب کرده است؛ و حقیر در کاروان زائر هستم.

هزینه سفر هر زائر 596000 تومان و خروجی فرودگاه اصفهان 25000 تومان است. بنابراین جمع هزینه سفر حدود 621000 تومان می شود.

ظهر در فرودگاه اصفهان نماز ظهر و عصر را قصرأ به پیشنهاد روحانیون محترم کاروان ها امامت نمودم و عازم شدیم.

ناهار در هواپیما صرف شد. کمتر از دو ساعت در پرواز بودیم که به فرودگاه بغداد رسیدیم.

بعد از ثبت ورود به عراق و تحویل اثاث، رأساً با اتوبوس عازم نجف اشرف شدیم و حوالی ساعت 9 شب به هتل صفین واقع در آخر شارع سِدیر مقابل نادي الموظفين وارد شدیم.

نماز را در هتل خواندم. سریعاً شام را که آماده بود صرف کردیم و در حالی که باران رحمت الهی می بارید عازم زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام شدیم.

مادر را با ویلچر بردیم و بقیه همراهان پیاده. حدود 15 الی 20 دقیقه پیاده راه طی کردیم تا به حرم مطهر رسیدیم. زیارتی در داخل حرم قرائت کردیم و حدود ساعت 5/11 که درب حرم مطهر بسته می شود از حرم خارج شده و به هتل بازگشتیم. بعد از نیمه شب بود که استراحت کردیم.

صبح بعد از صرف صبحانه به حرم امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شدم. بعد از زیارت مولی الموالی سلام الله علیه به زیارت مرقد مطهر مرحوم جد آیه الله حاج شیخ محمدحسین نجفی صاحب تفسیر و برادرش مرحوم آیه الله حاج شیخ محمدعلی و سایر مدفونین (1) رحمة الله عليهم اجمعین در حجره شماره 3 رفتیم.

پس از آن به کتابخانه روضه حیدریه رفتم و با آقای سید هاشم میلانی رئیس آن ملاقات کردم و دو کتاب نقد فلسفه داروین و الآراء الفقهية (ج4) را تقدیم نمودم.

پس از آن طبق قرار قبلی، به مؤسسه کاشف الغطاء جنب مدرسه مهدیه رفتم و در مدرسه با آقای دکتر شیخ عباس کاشف الغطاء ملاقات کردم. وی به گرمی استقبال کرد و معترض بود که چرا این بار به همراه کاروان آمده ام و مانند دو سال پیش آزاد مسافرت نکرده ام؟

در پاسخ گفتم: این بار اراده الهی چنین تعلق گرفته و این ثبت نام را فرزندم علی بدون اطلاع من کرده است؛ و وقتی دانستم عازم شدم.

تا گرم صحبت بودیم آقای شیخ محمد کرباسی نیز آمد.

این دو گفتند به همراه شیخ احمد فرزند شیخ عباس روز دوشنبه 12 اردیبهشت عازم تهران هستند تا در همایش روابط و پیوندهای ایران و عراق که کتابخانه مجلس شورای اسلامی برگزار می کند شرکت کنند.

ظاهراً حدود یکصد و پنجاه نفر از عراق دعوت شده اند که بیش از شصت نفر از آنها از نجف اشرف هستند.

به همراه شیخ محمد کرباسی، به جهت دیدار آیه الله العظمی آقای سید علی سیستانی مرجع اعلی شیعیان مد ظله که در نجف اشرف زندگی می کند عازم بیت شریف وی شدیم در حالی که هیچ قرار قبلی نداشتیم.

شیخ محمد کرباسی می گفت: شیخنا من دون موعد کیف تحصل الملاقاة؟

جواب گفتم: نتوکل علی الله، نحن لسنا سلاطین، طالب علم یرید یزور فقیها و هذا لا یحتاج إلی موعد.

ص: 10

کم تر از ساعتی مانده به ظهر به بیت ایشان رسیدیم.

آقای شیخ محمد کرباسی با آوازاده مکرم ایشان ملاقات کرد و خبر آمدن حقیر را داد، بلافاصله گفته بود تشریف بیاورند.

حقیر و فرزندم علی به همراه جوان طالب علمی که با ما همراه است - آقای حسن فاضل - و شیخ محمد کرباسی به خدمت ایشان رسیدیم. بیش از 35 دقیقه در محضرش بودیم.

در آغاز ملاقات دو کتاب نقد فلسفه داروین از مرحوم جدم آبیالمجد رحمه الله و جلد چهارم الآراء الفقهية - قسم البیع (1) را خدمتشان تقدیم کردم؛ از هر دو کتاب ذکری جمیل نمود.

پس از آن از اوضاعی که در ایران می گذرد ابراز نگرانی کرد. از گفته های اخیر برخی پیرامون سید خراسانی و شعیب بن صالح و گفتن یا علی در حین ولادت و امثال آن سخت متأثر بود و اظهار ناراحتی می کرد.

می فرمود: در رسانه های خارجی این کلمات به استهزاء گرفته می شود. می فرمود: اگر همه امور زیر نظر دقیق است که با استعفای يك وزیر مخالفت می شود، پس چگونه است که نسبت به این مسائل یا وضعیت حجاب و عفاف و غیر آن سکوت می شود؟!

فرمود: اگرچه هرگز تأیید نکرده ام ولکن مصلحت را در معارضه و مخالفت نیز نمی بینم؛ زیرا هرگونه مخالفتی به نفع بیگانگان و دشمنان خارجی تمام می شود.

پس از آن قدری از عملکرد خود در عراق گفت که ما نیز با آمریکا و اشغال گران مخالفت کردیم ولکن نه به طریقه ایران، بلکه با برگزاری انتخابات که آمریکایی ها زیر بار نمی رفتند و بالاخره مجبور به پذیرش آن شدند؛ و در نتیجه شیعیان [بعد از گذشت هزار سال] در بغداد و عراق به حکومت رسیدند.

و فرمود: هرچه از شیعیان کشتند من گفتم خویشتن داری کنند و حتی اخذ به ثار نیز نکنند، با این که در عشایر اخذ به ثار متداول است.

و در هر صورت از نزاع و جنگ بین شیعه و سنی جلوگیری کردم و به این وسیله فتنه را خاموش نمودم.



از وی پرسیدم که گزیده ای از ترجمه تفسیر مرحوم جد آیه الله حاج شیخ محمدحسین نجفی اصفهانی متوفی 1308ق آماده چاپ است، آیا اجازه می فرمایید برخی از کرامات ایشان را در این مقدمه ذکر کنیم؟

جواب داد: از نوشتن کرامات خودداری کنید، مگر آنچه برای علمای سلف چون شیخ اعظم انصاری قدس سره و مانند آن ذکر شده است.

ایشان همچنین از اینکه بازار کرامات سازی و معجزه تراشی رونق یافته است سخت نگران بود.

نیز از پاره ای دست اندازی ها به حوزه های علمیه و از برخی از شیوه های تحصیل نیز نگران بود و این رشد کمی حوزه ها را نوعی سیاست وقت و همراهی با آن می دانست.

پس از آن از رفاقت و صمیمیت خودش با مرحوم آیه الله امام خمینی رحمه الله سخن گفت و فرمود: در عین حالی که شاگرد مرحوم آیه الله خوئی قدس سره بودم، با ایشان نیز روابط حسنه ای داشتم.

و در یکی از ملاقات ها ایشان (امام خمینی) از من خواستند آیه الله خوئی را همراه کنم تا با هم حرکتی را آغاز کنند، پاسخ گفتم: شما از اختلاف سلیقه و روش و منش بین علما مطلع هستید، اختلاف بین مشروطه و مستبد را می دانید و آراء هم متعدد است. من نیز اگرچه شاگرد ایشان هستم، ولی از مشاورین محسوب نمی شوم؛ و به فرض از مشاورین باشم، یکی از آنها هستم. و ایشان نظر همه را می پرسند و ....

سپس گزارشی از مدرسه تخصصی فقه و اصول در اصفهان ارائه کردم، و برای خود و فرزندم درخواست دعا نمودم. و با معظم له خداحافظی کرده، اتاق را ترك کردیم.

این ملاقات بیش از 35 دقیقه به درازا کشیده بود و نزدیک اذان ظهر بود. بعد از بلند شدن دیدم قدرت راه رفتن ندارم؛ چون به احترام ایشان که دو زانو نشسته بودند من نیز دو زانو نشستم، و چون عادت به این گونه نشستن نداشتم، پاهای من خواب رفته بود و حرکت برایم مشکل بود.

دستم را بر شانه فرزندم و آقای فاضل گذاشتم و چند قدم حرکت کردم تا از اتاق

خارج شدم. بیرون اتاق چند لحظه صبر کردم تا قدرت راه رفتن را باز یافتم.

با آقازاده ایشان آقای حاج سید محمد درضا خداحافظی نموده، عازم حرم مطهر شدیم. نماز را در حرم مطهر خواندیم و به هتل برگشته، ناهار خوردیم و ساعت 3 بعدازظهر به زیارت کمیل بن زیاد نخعی از یاران شهید امیرالمؤمنین علیه السلام رفتیم و در سرداب آنجا به سر مزار مرحوم آیه الله شیخ محیی الدین مامقانی رحمه الله نیز حاضر شده، او را به فاتحه ای یاد کردیم.

پس از آن به جهت اعمال مسجد سهله به آنجا رفتیم و پس از زیارت همه مقامات، بعد از نماز مغرب و عشاء به هتل بازگشتیم.

سریعا شام خوردیم. بعد از شام به جهت قراری که داشتم آماده حرکت بودم که آقایان شیخ عمار کاشف الغطاء نوه آیه الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء و شیخ حیدر کرباسی، برادر شیخ محمد و سبط آیه الله شیخ علی کاشف الغطاء در هتل به دیدن من آمدند.

آقایان را به شام دعوت نمودم. آنها مشغول شام شدند که راننده آقای دکتر شیخ عباس آمد و ما را برای قرار ملاقات برد.

ملاقاتمان ساعت 9 شب با آیه الله حاج شیخ حسین بشیر نجفی (1) مد ظله است.

سرکنسول ایران در نجف اشرف - آقای حاج محمد حسن آقا محیی الدین نجفی - نیز که از اقوام و بستگان هستند اظهار تمایل کردند در این ملاقات حاضر باشند.

به منزل آیه الله شیخ بشیر نجفی که رسیدیم، دیدم ایشان نیز با فرزندش حجة السلام آقای حاج شیخ جمال الدین نجفی حفظهما الله تعالی و همراهانشان حاضر هستند.

بلافاصله داخل منزل شدیم و با آیه الله شیخ بشیر نجفی ملاقات نمودیم.

چند دقیقه نشسته بودیم و مشغول سخن گفتن، که آقای شیخ محمد کرباسی نیز وارد شد.

آیه الله شیخ بشیر بعد از احوال پرسشی به زبان فارسی، چون پاکستانی الاصل است و فارسی را خوب می داند، شروع کرد از آقای حاج محمد حسن نجفی سرکنسول

ص: 13

تعریف کردن، و اینکه ایشان مشغول خدمت به زائران ابا عبد الله الحسین علیه السلام است و ارزش خدمتگزاران به این آستان مقدس فراوان است.

به او گفتیم: البته که چنین است. آنگاه پدر کنسول مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ محمدباقر نجفی (1) رحمه الله و جدش مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج شیخ جمال الدین نجفی (2) قدس سره را که از مراجع عالیقدر بوده اند معرفی کردم و گفتیم: البته شایسته است از چنین پدری و جدی چنین فرزندی قابل و کاردان و خدوم به وجود آید.

پس از آن جناب سرکنسول گزارشی از وضعیت صاحب این قلم در اصفهان بیان کرد و من نیز جلد چهارم کتابم الآراء الفقهية - قسم البیع (1) را به وی تقدیم کردم.

دستور داد برای حاضرین يك درّ نجف به رسم هدیه آوردند.

وی به نجف علاقه ویژه ای دارد و از مولّدات (ژنراتورهای) برقی گفت که به همت او در نجف اشرف کار می کند و در ساعاتی که برق دولتی قطع است به چند هزار خانه برق مجانی می دهد.

پس از آن از وضعیت دولت مردان عراق شکایت کرد که برخی از آنها بنام شیعه هستند، اما از نواصب نیز بدترند.

در این ملاقات من و فرزندم علی و آقای محمد حسن نجفی - سرکنسول ایران در نجف اشرف - و فرزندشان حجة الاسلام آقای حاج شیخ جمال الدین نجفی و آقای حسن فاضل و شیخ محمد کرباسی و همراهان آقای سرکنسول حاضر بودند.

ساعت از 10 شب گذشته بود که از منزل وی خارج شدیم و به قصد منزل آیه الله شیخ محمدامین مامقانی (3) به طرف بیت ایشان رفتیم. دامادش شیخ محمد کرباسی راهنما بود.

همه کسانی که در ملاقات قبلی حاضر بودیم در این ملاقات نیز حضور داشتند.

ص: 14

- 
- 1- شرح حال وی را نگر در: اعلام اصفهان 2/76، گلشن اهل سلوک/201، طبع دوم.
  - 2- شرح او را نگر در: نباء البشر 1/308، مکارم الآثار 7/2613، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر 3/68، و اعلام اصفهان 2/367، گلشن اهل سلوک/185، طبع دوم، دانشمندان و بزرگان اصفهان 451/1، سیری در تخت فولاد اصفهان 93/، زندگانی آیه الله چهارسوقی/154، تاریخ اصفهان (جابری)/326، رجال اصفهان (دکتر کتابی) 1/200، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 1/190، گنجینه دانشمندان 3/235، نسب نامه الفت /مخطوط.
  - 3- در سه سفرنامه، طور سینا/149 از وی یاد شده است.

ایشان را به اصفهان دعوت کردم. گفت: بعد از سقوط صدام دو بار به مشهد مقدس آمده است و قصد دارد به اصرار مردم مامقان سفری را به آنجا که در نزدیکی تبریز و 30 کیلومتری آن است برود.

گفتم: شایسته است در این بین نیز دیداری از اصفهان داشته باشید.

از وضع تدریس در نجف پرسیدم، گفت: دو درس فقه و اصول را پی در پی پیش از ظهر القاء می کند و مشغول دوره دوم اصولش است.

کتاب اصولش و کتابی را که در عقاید نوشته است درخواست کردم، گفت: ارسال می کنم.

محل درسش در بیرونی ای است که چند صد متری منزلش تهیه نموده و 16 لحد نیز در آن آماده کرده و پدر و مادرش را هم در آن دفن نموده است؛ چون مقبره خانوادگی وی (مامقانی) در طرح توسعه حرم در زمان رژیم سابق از بین رفته است.

در هر صورت بعد از نصف ساعتی که با ایشان سخن گفتیم و جلد چهارم الآراء الفقهية را به ایشان اهداء کردم، از محضرش خارج شدیم.

جناب سرکنسول لطف کرده ما را به هتل محل اقامتشان رساندند.

به هتل که رسیدیم نیمه شب بود و استراحت کردیم.

**سه شنبه 22/5/1432=6/2/1390**

پگاه به حرم مشرف شدم و نماز صبح را در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام برای بانوان امامت کردم.

همسرم نیز که خودش را به حرم رسانده بود از اولین کسانی بود که در پشت سرم نماز خواند. پس از آن امیر علیه السلام را زیارت نمودم و به هتل بازگشته صبحانه را صرف کرده، عازم مسجد کوفه شدیم. در راه میثم تمار از خواص اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت نمودیم. چون مرقد وی در حال بازسازی بود، فقط توانستیم از داخل صحن حرمش او را زیارت کنیم.

داخل مسجد کوفه شدیم. به پیشنهاد حقیر، مدیر یکی از اعراب دعاخوان راهنمای مسجد را آورد تا هم راهنمایی کند و هم دعاهای مقامات را پس از نمازها

بخواند. به دقت همه اعمال و ادعیه انجام شد.

در پایان اعمال می گفت: هرکس می خواهد اعمال مسجد کوفه را برایش انجام دهند، مبلغ 2000 تومان به همراه اسم منوبّ عنه بدهد تا نایبی برای او این اعمال را انجام دهد. لازم به یادآوری است که حداقل این اعمال 2 ساعت طول می کشد. حقیر با علم به اینکه این اعمال انجام نخواهد شد و پول آن فقط به عنوان صدقه تلقی می گردد، به جهت مرحوم والد و همچنین عیال که بیمار بود و نیامد، پول دو نفر را پرداخت کردم. من که پول دادم، اهل کاروان نیز دست به جیب شدند و هرکدام دو یا سه نفر پرداخت کردند، گویا مخارج چند روزش تأمین شد.

در پایان سفیر الحسین علیه السلام مسلم بن عقیل بن ابی طالب را در کنار مسجد کوفه و پس از وی، مختار بن ابی عبیده ثقفی - که انتقام گیرنده از قاتلان امام حسین علیه السلام است و خشنودی اهل بیت علیهم السلام را از این جهت فراهم کرده است - زیارت کردیم.

پس از آن از پشت دیوار حرم هانی بن عروة وی را از داخل مسجد کوفه زیارت نمودیم. چون حرم او نیز در حال بازسازی بود و بسته.

نماز ظهر و عصر را با یکی از سادات آل حکیم تماما در مسجد کوفه نزدیک محراب امیرالمؤمنین علیه السلام خواندیم. عجیب است ایرانی ها که به روحانیون خودشان چیزی نمی دهند، در این شهرها که می روند دست به جیب می شوند و...

محراب امیر علیه السلام را نیز زیارت کردیم و از مسجد کوفه بیرون آمدیم. در کنار مسجد از منزل امیرالمؤمنین علیه السلام نیز دیدن نمودیم. در سال های گذشته آن را به طور اساسی تعمیر کرده اند. به هتل بازگشتیم و پس از صرف ناهار استراحت کردم.

شب هنگام آقای شیخ محمد کرباسی با 4 جلد کتاب بشری الأصول از پدرزنش آیه الله شیخ محمدامین مامقانی به همراه کتاب عقیدتنا از همو به دیدنم آمد.

با او مشغول گفتگو بودیم که جناب آقای حاج محمد حسن آقا محیی الدین نجفی سرکنسول ایران در نجف اشرف به همراه فرزندش حجة الاسلام شیخ جمال الدین به دیدن من و مادرم که دخترعمه اوست آمد.

آنها را به شام دعوت کردم و شام صرف شد. قدری گفتگو کردیم و آنها رفتند.

به اتاقم رفته بودم که مدیر داخلی هتل آمد و گفت مهمان دارم. به ورودی هتل

بازگشتم، دیدم شیخ احمد پسر شیخ عباس کاشف الغطاء به همراه شیخ علی پسرعمویش به دیدن من آمده اند.

قدری نیز با آنها نشستیم. شب از نیمه گذشته بود که مجدداً به اتاق برگشتم و استراحت کردم.

### چهارشنبه 23/5/1432=7/2/1390

صبحگاه نماز را در حرم خواندیم و امیر علیه السلام را به زیارت و داع زیارت نمودیم.

به هتل بازگشته ساک ها را بار زده صبحانه خوردیم و حوالی ساعت 9 صبح عازم کربلای معلی شدیم.

در راه کربلا در مسیب، ابراهیم و محمد فرزندان مسلم بن عقیل را در کنار شط فرات زیارت نمودیم.

اما در این سفر مرقد منسوب به عون بن عبدالله بن جعفر را زیارت نکردیم. در طور سینا(1) درباره وی مطالبی را نگاشته ام. اکنون تصحیح می کنم که برخی(2) بر این اعتقادند که وی عون بن عبدالله بن جعفر بن مرعی بن علی بن الحسین البنفسج از نوادگان عبدالله المحض است.

اوسیدی جلیل بوده است که در کربلا زندگی می کرده و مزرعه ای در چند فرسخی آن داشته است که برای رسیدگی به امورش آنجا می رفته و در همان جا نیز فوت کرده و قبرش در همان مزرعه اش قرار دارد.

ظهر به کربلا رسیدیم. نماز و ناهار را در فندق جَرَش 1 واقع در انتهای شارع العباس علیه السلام نزدیک محطة الوادي القديم خواندیم. این هتل از هتل های درجه يك کربلا است.

بعد از ظهر ساعتی خوابیدم و عصر با ماشین های هتل به سمت حرم روانه شدیم. نزدیک حرم امام حسین علیه السلام سمت قبله از ماشین پیاده شده و به همراه مادر و

ص: 17

---

1- سه سفرنامه، طور سینا/141.

2- مانند شیخ محمد حرزالدین در مراقد المعارف، 2/141 و سید عبدالستار حسنی بغدادی که در تاریخ العراق قدیما و حدیثا/128 از وی نقل می کند و عبدالامیر قریشی در المراقد و المقامات في کربلاء/81.

همسر و علی و آذر ابتدا عازم زیارت ابوالفضل العباس علیه السلام باب الحسین علیه السلام شدیم و پس از زیارت او و کسب اجازه از وی، به زیارت پیشوای آزادگان و سید شهیدان اباعبدالله الحسین علیه السلام مشرف شدیم. آقا و دو فرزندش علی اکبر و اصغر را زیارت نمودم.

ساعتی در کنار حرم امام حسین علیه السلام زانوی ادب بغل گرفتم و اندیشیدم. اندیشه ای که امید دارم در دنیا و آخرت به کار آید و افضل از عبادت هفتاد سال باشد.

حبيب بن مظاهر اسدی شهید موی سپید عاشورا و بقیه شهدای این روز را نیز زیارت کردم.

پس از آن ابراهیم مجاب فرزند محمد عابد فرزند موسی بن جعفر علیهم السلام جدّ سیدین مرتضی و رضی را نیز زیارت کردم. لازم به یادآوری است که مرقد این دو هم در کنار جدشان است.

البته هر دو بعد از امانت گذاشته شدن در کاظمین به این مکان منتقل شده اند و بنابراین ضریح و بنای این دو در کاظمین، محل امانت آنهاست نه مرقد فعلیشان.

نزدیک غروب به صحن آمدم. نماز مغرب و عشاء را با آیه الله آقای سید مرتضی قزوینی حفظه الله تعالی خواندم، سپس به هتل بازگشته، شام خوردم و استراحت کردم.

### **پنج شنبه 24/5/1432=8/2/1390**

نماز صبح را در هتل اقامه کردیم. بعد از صبحانه به زیارت رفتیم. بعد از زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام و ابوالفضل العباس علیه السلام به دفتر نمایندگی سازمان حج و زیارت و دیدار سرپرست آن در کربلای معلی رفتیم. آقای سرکنسول خبر آمدن ما را به وی داده بود. به گرمی استقبال کرد. قصد داشتیم بلیت برگشتمان را تعویض کنیم و چند روز اضافه بمانیم، گفت: ممکن نیست؛ زیرا بلیت چارتر است و باطل می شود. بهتر است این سفر را با بازگشت تکمیل کنید و مجددا در سفر دیگری عازم شوید.

پیشنهادش را پذیرفتم. در بازگشت چند جلد کتاب از کتابفروشی داخل در صحن حضرت ابوالفضل علیه السلام خریده بودم که تحویل گرفتم و عازم هتل شدیم.

امروز صبح آقای حسن فاضل مرا همراهی می کرد.

ظهر به هتل رسیدیم و ناهار خوردیم و قبل از آن نماز خواندیم. ساعتی استراحت کردم. امشب شب جمعه و شب زیارتی امام حسین علیه السلام است، عصرگاه عازم حرم شدیم.

دو کتاب نقد فلسفه داروین و الآراء الفقهية ج 4 را به رسم هدیه به کتابخانه حرم امام حسین علیه السلام تقدیم کردم.

به حرم ابوالفضل العباس علیه السلام رفتیم. در کتابخانه عتبه عباسیه جناب حجة الاسلام آقای سید نوری موسوی کربلایی مدیر آن را که از دوستان است زیارت کردیم. همان دو کتاب قبلی را نیز اینجا به رسم هدیه تقدیم نمودم.

آقای سید نوری نیز جلد اول فهرست کتب خطی کتابخانه عتبه عباسیه را که تازه از چاپ خارج شده بود، به حقیر هدیه نمود. این کتاب تألیف حجة الاسلام آقای سید حسن بروجردی است که در طور سینا(1) از آن سخن گفتیم.

هنگام اذان گفتند که آیه الله آقای سید رضی مرعشی فقط شب های جمعه از نجف اشرف به کربلا می آید و در صحن عباسی امامت می کند. ایشان حدود 70 سال سن دارد.

سید نوری برای نماز جا گرفته بود که توسط کارکنان مکتبه در اختیار حقیر قرار گرفت و نماز مغرب و عشاء را به امامت ایشان در صحن عباسی خواندیم. آقای سرکنسول و فرزندش را نیز در نماز دیدم.

وی یکی از آرزوهایش را زیارت شب جمعه کربلا و این نماز می داند.

پس از اقامه نماز عشاء که امام نیز قصرا اقامه کرد، به سرکنسول گفتیم: به حرم می روم و بعد جهت دیدار شما به کتابخانه باز می گردم.

ابوالفضل العباس علیه السلام را بعد از نماز زیارت کردم و به کتابخانه عباسی واقع در گوشه صحن آمدم. آقای سرکنسول و فرزندش شیخ جمال الدین نیز آمدند و ساعتی با آنها و آقای سید نوری کربلایی مدیر محترم این کتابخانه مأنوس بودم.

پس از آن آنها رفتند و من نیز عازم زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام شدم. مولایمان را شب جمعه زیارت کردیم و به هتل بازگشته شام خوردیم و به امید رحمت و عفو

ص: 19



الهی و مغفرت ذنوب و شفاعت امام حسین علیه السلام تن به خواب سپردیم، در حالی که همسر و مادرم و آذر و علی برای تهجد و شب زنده داری و عبادت و زیارت به حرم امام حسین علیه السلام مشرف شدند.

### جمعه 25/5/1432=9/2/1390

به علت دوری هتل، نماز صبح را در منزل خواندم و پس از آن قدری استراحت کردم. حوالی ساعت 8 صبح صبحانه خوردم و عازم حرم شدم.

هر دو عتبه عباسیه و حسینی را زیارت کردم پیش از ظهر به منزل بازگشتم و به جهت بازگشت و سایلم را جمع کرده، غسل جمعه و توبه و زیارت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را انجام دادم.

نماز ظهر و عصر را در هتل خواندم. عصر به حرم مشرف شدم و با خواندن زیارت و داع ابی الفضل العباس علیه السلام و امام حسین علیه السلام به هتل بازگشتم، شام خوردم و استراحت کردم.

### شنبه 26/5/1432=10/2/1390

نماز صبح را در هتل خوانده و عازم شهر سامرا شدیم. از کربلا باید به بغداد و از آنجا به سامرا برویم. حوالی ساعت 9 صبح بود که به شهر سامرا رسیدیم.

قدری راه را باید پیاده طی می کردیم تا به حرم برسیم. ساعت حدود 10 بود که در حرم بودیم. زیارت امامین هادیین عسکریین علیهما السلام را انجام دادم. همچنین مرقد نرجس خاتون مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام و عمه امام حسن عسکری علیه السلام را زیارت کردم.

پس از آن به سرداب مقدس رفتم. قسمت عمده ای از زیر صحن را تخلیه کرده و به سرداب مقدس افزوده اند. چند رکعت نماز نیز در آنجا خواندم.

در راه رفت و بازگشت از حرم باران می بارید. آن را به فال نیک گرفتم و نشانه استجاب دعاها و قضای حاجات و غفران ذنوب و شفاعت مقبوله. ان شاء الله تعالی

اما نکته ای که در حرم عسکریین علیهما السلام انسان را آتش می زند، دو بار انفجار (1) در این

ص: 20

حرم مطهر و منزل موروثی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

اکنون بعد از به پایان رسیدن سفت کاری، مشغول آینه کاری دیوارها و طاق و ایوان ها بودند.

من نمی دانم این چه آیین میان تهی و بی محتوایی است که تخریب حرم های مطهر ائمه معصومین علیهم السلام را واجب می داند؟ و از این حرم های مطهر چه ضرری به آنها رسیده است که منهدم کردن آنها را واجب عینی می دانند؟

این چه بی عقلی است که گمان می کنند اگر بر فراز قبری سقفی باشد شرك به خداوند تبارك و تعالی خواهد بود؟ آیا این بی خردی و فرار از عقل نیست؟ مگر نه این است که رسول اعظم صلی الله علیه و آله در حجره خودشان دفن شدند که مسقف بود و همواره نیز این سقف تعمیر شده است، تا جایی که در قرن های گذشته به قبة الخضراء تبدیل شد و البته هیچ کس از صحابه و مسلمانان و فقهای مذاهب هم به آن اعتراضی نکردند و نمی کنند؟!

این چه بی خردی است که داشتن قبه - گنبد - را شرك و کفر تلقی می کند؟ مگر نه این است که ابن خَلِّكان در شرح حال امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام چنین نقل می کند: «أَنَّ تُوْفِي فِي السَّنَةِ الرَّابِعَةِ وَالتَّسْعِينَ، وَ دَفِنَ فِي قَبْرِ عَمِّهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْقَبَةِ الَّتِي فِيهَا قَبْرُ الْعَبَّاسِ»<sup>(1)</sup>؛ و شبیه این بیان را نیز در شرح حال امام باقر<sup>(2)</sup> علیه السلام می گوید.

از این سخن معلوم می شود که قبر عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله دارای قبه - گنبد - بوده است. گنبدی که در قرن اول هجری و در مرآی و منظر صحابه، کرام و تابعیتین عظام ساخته شده و احدی مناقشه نکرده است.

ابن خَلِّكان در شرح حال امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز از خطیب بغدادی<sup>(3)</sup> نقل می کند: «إِنَّ الْكَاطِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَفِنَ فِي مَقَابِرِ الشُّونِزِيِّينَ [أَي مَقَابِرِ قَرِيشٍ] خَارِجَ الْقَبَةِ؛ وَقَبْرُهُ هُنَاكَ مَشْهُورٌ يُزَارُ، وَعَلَيْهِ مَشْهَدٌ عَظِيمٌ فِيهِ الْقَنَادِيلُ وَأَنْوَاعُ الْأَلَاتِ وَالْفُرُشُ مَا لَا يُحَدُّ»<sup>(4)</sup>.

از این بیان دو امر روشن می شود:

1. در مقابر شونیزیین - قریش - گنبدی قرار داشته است که امام کاظم علیه السلام را در

ص: 21

1- وفيات الأعيان 3/263، رقم 422.

2- وفيات الأعيان 4/174، رقم 560.

3- تاريخ بغداد 13/33.

4- وفيات الأعيان 5/310، رقم 746.

سال 183 هـ.ق در بیرون آن دفن کردند؛ و این یعنی وجود گنبد در قرن دوم هجری.

2. برای امام کاظم علیه السلام نیز قبه ای - گنبدی - جداگانه ساخته شده که در آن قنادیل و آلات و فرش ها قرار داشته است، و معلوم است که قنادیل را نمی توان به هوا آویزان کرد.

3. این ساختمان روی قبر امام کاظم علیه السلام دست کم در قرن سوم هجری بوده است؛ چون ولادت خطیب بغدادی سال 392 ق است.

علامه آیه الله محمدعلی غروی اردوبادی در رساله ای که در نقد فتوای وهابیین در خراب کردن قبور نوشته است می گوید:

«وقد روی في عمدة الطالب(1) و حبيب السَّيِّر و كامل ابن الأثير: أنَّ في القرن الثاني في أيام هارون الرشيدُ بنيت قبةً علي قبر عليِّ عليه السلام».

وقال الثَّقفي: «إنَّ الرشيد بنى عليه بنينا بأجر أبيض».(2)

و روی في حياة الحيوان(3) في ذكر الفهد عن ابن خَلِّكان: «أن هارون حجَّ قبر عليِّ عليه السلام [أي بنى عليه حجرة]».(4)

در هر حال خشک مغزی این قوم تکفیری، خشن، تروریست، مزدور بیگانگان، هم پیمان با صهیونیسم جهانی و هم داستان با دشمنان قسم خورده اسلام مطلب تازه ای نیست. از این نیز بگذریم؛ چرا که العاقل تکفیه الإشارة.

پیش از ظهر از حرم سامراء خارج شدیم و به سمت «بلد» واقع در يك فرسخی سامرا حرکت کردیم. در آنجا سید محمد بن امام علی الهادی علیه السلام را زیارت نمودیم و نماز ظهر و عصر را نیز همانجا اقامه کردیم. سپس ناهار خوردیم و به قصد کاظمین حرکت کردیم.

عصر دو ساعتی به غروب آفتاب به کاظمین و حرم مطهر امامین موسی بن جعفر کاظم علیه السلام و محمد بن علی الجواد علیه السلام رسیدیم. وضو ساخته به حرم مشرف شدیم و زیارتی نمودیم.

ص: 22

1- عمدة الطالب /63.

2- الغارات 2/863، الباب الثالث عشر.

3- حياة الحيوان الكبرى، 2/85.

4- رساله در رد هدم قبور /20، طبعت في شعبان سنة 1345 في المطبعة العلوية في النجف الأشرف في 24 صفحة.

شیخ عبدالحق بن سیف الدین دهلوی بخاری (م 1052) در اللمعات فی شرح المشکاة گوید: «قال الإمام الشافعي: قبر موسى الكاظم تریاق مجرب للإجابة و الدعاء به» (1).

زیارتی و دعایی و حوائجی و شفاعتی و طلب مغفرتی و... حالتی رفت که محراب به فریاد آمد.

مقبره شیخ مفید و استادش ابن قولویه و خواجه نصیرالدین طوسی و فرهاد میرزا را به علی نشان دادم.

در صحن کاظمی دو نماز جماعت برگزار می شد: یکی منسوب بود به هواداران آقای سیستانی و دیگری به پیروان سید مقتدی صدر.

هنوز از نماز عشاء فارغ نشده بودیم که باران خط استوایی شروع شد. گویا درهای رحمت الهی گشوده شده بود و پایان زیارت و سفر ما را به قبولی و مغفرت بشارت می داد.

حدود ساعت 10 شب به هتل سدیر واقع در بغداد رسیدیم. هتلی کهنه و فرسوده با طبقات متعدد و آسانسور خراب و اتاق های کثیف و کادر پذیرایی ناکارآمد و مدیریتی بدتر از آن. به هر حال پایان سفر بود و چند ساعت بیشتر آنجا نبودیم و ارزش اعتراض نداشت، تحمل کردیم.

تنها حُسن آن، وجود دکتر در آنجا بود که چون علی بیمار بود او را نزد دکتر بردم و نسخه ای داد که قدری مؤثر واقع شد.

حوالی نیمه شب چند ساعتی تا اذان صبح خوابیدم.

**یکشنبه 27/5/1432=11/2/1390**

پس از انجام فریضه صبح و خوردن صبحانه، با عجله عازم فرودگاه بغداد شدیم.

بعد از حدود سه ساعت و رد شدن از بازدیدهای مختلف بدنی و باری که از جلویمان سگ های آمریکایی رژه می رفتند و بو می کشیدند که نفرت انگیز بود، وارد سالن فرودگاه بغداد شدیم.

ص: 23

---

1- نقل عنه فی: الوهابیون و البیوت المرفوعة / 57 للشیخ محمد علی بن الحسن الهمدانی السنقری الكردستانی (م 1378)، طبع دوم 1418ق.

از غنائم این سفر همراهی آقای مهدی ناجی اصفهانی ابن محمّد مولود 1314 ش بود. وی پدر آقای دکتر حامد ناجی اصفهانی محقق کتاب نقد فلسفه داروین جدّ است.

پرواز که می بایست ساعت 5/8 صبح انجام می شد، حدود ساعت 12 انجام شد و دارالسلام بغداد را به قصد پایتخت فرهنگی ایران اسلامی دارالمؤمنین اصفهان ترك کردیم.

ساعت حوالی 4 یا 5 بعد از ظهر بود که به فرودگاه اصفهان رسیدیم. نماز ظهر و عصر را در فرودگاه اصفهان قصر خواندیم.

و ساعتی به غروب آفتاب مانده صحیح و سالم به خانه رسیدیم.

سفری بود در وادی مقدس اعقاب ائمه مدفون در عراق علیهم السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسین سیّد الشهداء علیه السلام و کاظمین جوادین علیهما السلام و هادیین عسکریین علیهما السلام که به خوبی و خوشی انجام شد و در آن استجابات دعوات و مغفرت ذنوب عظام را امید دارم. ایدون باد!

نگارش این سفرنامه چون در روزهای آخر سفر شروع شد قدری به تأخیر افتاد، و سطور پایانی آن در روز 27 رجب المرجب 1432 سالروز بعثت رسول اعظم خاتم الأنبياء والمرسلین صلی الله علیه و آله در جوار بارگاه ملکوتی سلاله پاکش و عالم دودمانش و هشتمین جانشین برحقش امام رؤوف علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و الثناء در مشهد مقدس، و در ساعات آخر روز پنجشنبه 9 تیرماه 1390 به دست مؤلف آن هادی نجفی به انجام رسید.

و الحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً. و صلی الله علی سیدنا محمّد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

